

یاد امام عصر (عج) در عید فطر

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

پرسشگر تصور می کند که اگر نام امام و یا امامان در قرآن می آمد، اختلاف از بین می رفت، در حالی که این اصل کلیت ندارد. چه بسا ذکر اسامی پیشوایان دوازده گانه، سبب می شد که آزمندان حکومت و ریاست به نسل کشی بپردازند تا از تولد آن امامان جلوگیری کنند، چنانکه این مسئله درباره حضرت موسی (ع) رخ داد. روش آموزشی قرآن بیان کلیات و اصول عمومی است، تشریح مصادیق و جزئیات غالباً بر عهده پیامبر گرامی (ص) می باشد. رسول خدا (ص) نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت داشت، چنانکه می فرماید:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.» (1)

و قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی و آشکارسازی، شاید آنان بیندیشند. در آیه یادشده دقت کنید، می فرماید:

«تَبَيِّنْ» و نمی گوید: «لتقرأ» یا «لیتلو» و این نشانه آن است که پیامبر (ص) علاوه بر تلاوت، باید حقایق قرآنی را روشن کند.

بنابراین انتظار اینکه مصادیق و جزئیات در قرآن بیاید، همانند این است که انتظار داشته باشم همه جزئیات در قانون اساسی کشور ذکر شود. اینک برخی از روش های قرآنی را در مقام معرفی افراد بیان می کنیم:

1. معرفی به نام

گاهی شرایط ایجاب می کند که فردی را به نام معرفی کنند، چنانکه می فرماید:

«و مَبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (2)،

(عیسی می گوید): من به شما مژده پیامبری را می دهم که پس از من می آید و نامش احمد است. در این آیه حضرت مسیح، پیامبر پس از خویش را به نام معرفی می کند و قرآن نیز آن را از حضرتش نقل می نماید.

2. معرفی با عدد

و گاهی شرایط ایجاد می کند که افرادی را با عدد معرفی کند، چنانکه می فرماید:

«و لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا...» . (3)

و خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرگروه برانگیختم.

3. معرفی با صفت

بعضی اوقات شرایط ایجاب می کند که فرد مورد نظر را با اوصاف معرفی کند، چنانکه پیامبر خاتم را در تورات و انجیل، با صفاتی معرفی کرده است.

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ

عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يُضَعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...» . (4)

کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده ای پیروی می کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می یابند، که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدی ها بازشان می دارد، پاکی ها را برای آنان حلال کرده و ناپاکی ها را تحریم می نماید و آنان را امر به معروف و نهی از منکر می کند و بارهای گران و زنجیرهایی که بر آنان بود، از ایشان برمی دارد...

با توجه به این روش، انتظار اینکه اسامی دوازده امام با ذکر نام و اسامی پدر و مادر در قرآن بیاید، یک انتظار بی جا است؛

زیرا گاهی مصلحت در معرفی به نام است و گاهی معرفی به عدد و احیاناً معرفی با وصف.

مسائل زیادی وجود دارد که قرن ها مایه جنگ و جدل و خونریزی در میان مسلمانان شده است، ولی قرآن درباره آنها به طور صریح و قاطع که ریشه کن کننده نزاع باشد سخن نگفته است، مانند:

- صفات خدا عین ذات اوست یا زائد بر ذات؟

- حقیقت صفات خبری مانند استواری بر عرش چیست؟

- کلام خدا قدیم یا حادث است؟

- خلقت بر اساس جبر استوار است یا اختیار؟

این مسائل و امثال آنها هر چند از قرآن قابل استفاده است، ولی آن چنان شفاف و قاطع که نزاع را یک سره از میان بردارد، در قرآن وارد نشده است و حکمت آن در این است که قرآن مردم را به تفکر و دقت در مفاد آیات دعوت می کند، بیان قاطع همه مسائل، به گونه ای که همه مردم را راضی سازد، بر خلاف این اصل است.

معرفی به نام، برطرف کننده اختلاف نیست

پرسشگر تصور می کند که اگر نام امام و یا امامان در قرآن می آمد، اختلاف از بین می رفت، در حالی که این اصل کلیت ندارد؛ زیرا در موردی تصریح به نام شده ولی اختلاف نیز حاکم گشته است.

بنی اسرائیل، از پیامبر خود خواستند فرمان روایی برای آنان از جانب خدا تعیین کند تا تحت امر او به جهاد بپردازند و زمین های غصب شده خود را باز ستانند و اسیران خود را آزاد سازند. آنجا که گفتند:

«إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّ لِهْم اَبْعَث لَنَا مَلَكًا نَقَاتِل فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (5)

آنان به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما فرمان روایی معین کن تا به جنگ در راه خدا بپردازیم...

پیامبر آنان به امر الهی فرمان روا را به نام معرفی کرده، گفت:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا...» (6)

به راستی که خدا طالوت را به فرمان روایی شما برگزیده است.

با وجودی که نام فرمان روا به صراحت گفته شد، آنان زیر بار نرفتند و به اشکال تراشی پرداختند و گفتند:

«أَتَنِي يَكُونُ لَهُ الْمَلِكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ...» (7)

از کجا می تواند فرمان روای ما باشد، حال آنکه ما به فرمان روایی از او شایسته تریم، و او توانمندی مالی ندارد؟...

این امر، دلالت بر آن دارد که ذکر نام برای رفع اختلاف کافی نیست، بلکه باید شرایط جامعه، آماده پذیرایی باشد.

چه بسا ذکر اسامی پیشوایان دوازده گانه، سبب می شد که آزمندان حکومت و ریاست به نسل کشی بپردازند تا از

تولد آن امامان جلوگیری کنند، چنانکه این مسئله درباره حضرت موسی (ع) رخ داد و به قول معروف:

صد هزاران طفل سر ببریده شد

تا کلیم الله موسی زنده شد

درباره حضرت مهدی (عج) هم که اشاره ای به نسب و خاندان ایشان شد، حساسیت های فراوانی پدید آمد و

خانه حضرت عسکری (ع) مدت ها تحت نظر و مراقبت بود تا فرزندی از او به دنیا نیاید و در صورت تولد، هر چه

زودتر به حیات او خاتمه دهند.

در پایان یادآور می شویم: همان طوری که گفته شد، قرآن بسان قانون اساسی می باشد و انتظار اینکه همه چیز

در آن آورده شود، کاملاً بی مورد است. نماز و روزه و زکات نیز که از عالی ترین فرائض اسلام است به طور کلی در

قرآن وارد شده و تمام جزئیات آنها از سنت پیامبر (ص) گرفته شده است.

پی نوشت ها :

1. سورة نحل (16)، آية 44.

2. سورة صف (61)، آية 6.

3. سورة مائدة (5)، آية 11.

4. سورة اعراف (7)، آية 157.

5. سورة بقره (2)، آية 246.

6. سورة بقره (2)، آية 247.

7. همان.

برگرفته از: افق حوزه، 3/5/1386.